

دو فصلنامه اندیشه علامه طباطبائی (۵)؛ سال پنجم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲، ص ۵۰-۳۱

بررسی شفاعت برزخی در قرآن، روایات و اندیشه تفسیری علامه طباطبائی (۵)

روح الله علی نژاد عمران*

استادیار دانشگاه علامه طباطبائی، گروه علوم قرآن و حدیث، تهران، ایران

کامران اویسی**

استادیار گروه معارف قرآن و حدیث دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷)

چکیده

اگرچه اصل شفاعت از امور مسلم بین مسلمانان است؛ اما این که محدوده شفاعت، علاوه بر قیامت، برزخ را هم شامل شود، همواره میان اندیشمندان شیعی مورد بحث بوده است. به گونه ای که شفاعت در برزخ موجب آمرزش گناهان شده و از سویی مایه ارتقای رتبی و تعالی درجه معنوی افراد شود. علامه طباطبائی وجود شفاعت در عالم برزخ را نپذیرفته و استعانت های معصومان^(ع) در برزخ را نوعی اجازه تصرف از سوی خدا در عالم برزخ می داند. لذا معتقد است که شفاعت در عوالم پیش از قیامت محقق نمی شود؛ زیرا از دیدگاه ایشان بحث شفاعت پس از مسجل شدن ورود به بهشت یا جهنم معنا می یابد و برای این منظور نیز به برخی روایات استناد می کند. در این مقاله، ضمن پرداختن به دیدگاه های مطرح و نقد و بررسی ادله آراء ایشان، روشن می گردد که با توجه به اطلاق ادله آیات و روایات و عدم تقیید آیه به شفاعت در قیامت و شمولیت آن نسبت به عالم برزخ، نیز توجه به مثالیت عالم برزخ و وجود پدیده های دنیا در آن عالم با مرتبه شدیدتر، و استمرار شفاعت پیامبر^(ص) از دنیا تا برزخ و نیز قیامت و التفات به اصل تخویف و ترساندن و هشداردهی برای پیشگیری از وقوع گناه در دین اسلام و نیز اصل

* r_alinejad_omran@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** oveysi@maaref.ac.ir

سبقت گیری رحمت الهی بر غضب او و همچنین اصل نجات بخشی انسان، می توان امکان شفاعت برزخی را اثبات نمود. و این که شفاعت در برزخ نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: برزخ، شفاعت، طباطبائی، قرآن، روایت، قیامت.

مقدمه

بسیاری از مباحث پژوهشی، صرفاً انتزاعی، علمی و نظری بوده و ثمره عملی یا ندارد و یا ناچیز است؛ اما در مورد مقوله شفاعت، نه تنها بحث‌های علمی فراوانی دارد؛ بلکه ثمره عملی آن نیز قابل ملاحظه است؛ چراکه افراط و تفریط در اعتقاد به شفاعت می‌تواند به کج‌اندیشی و در نتیجه، انحراف عملی منجر شود؛ زیرا انسان بر اساس اندیشه‌های خود به عمل دست می‌زند. اگر او بپندارد که همه چیز با شفاعت حل می‌شود، ممکن است در این دنیا به لابی‌گری بپردازد. گاهی نیز اعتقاد نداشتن صحیح به شفاعت و محدوده آن می‌تواند سبب ناامیدی و گمان به بسته بودن همه درها پس از انجام احتمالی گناه باشد؛ لذا شفاعت، بنا به برداشتی که هر مکتب و جریان اسلامی از آن دارد، از مباحث مهم قرآنی و کلامی است و سزاوار است درباره آن، به‌طور صحیح و دقیق، تحقیق و بررسی شود تا حدود و ثغور آن تعیین گردد.

شفاعت از ماده «شَفَع» و به معنای جفت و دوتابودن است که در مورد انسان یعنی انضمام به غیر و کمک کردن او (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۴۵۸). در حقیقت، شفیع، جفت شفاعت‌شونده می‌شود؛ یعنی شفاعت‌گر کار و یا مشکل شفاعت‌شونده را سامان می‌بخشد. حقیقت شفاعت و فایده آن درخواست ساقط شدن کیفر از مستحق آن است و استعمال شفاعت در درخواست رسیدن به منفعت، مجازاً و به سبب توسعه در معناست (علم‌الهدی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱: ۱۵۰).

در مفهوم‌شناسی برزخ نیز گفته می‌شود از نظر لغت به معنای حائل بین دو چیز (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۳۳۸) و در اصطلاح، مدت و یا دنیایی است بین مرگ انسان و مبعوث شدن او در قیامت. (زحیلی، ۱۴۲۲ ق، ج ۲: ۱۷۲۰؛ سبحانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۴: ۲۳۳). این مطلب فارغ از بحث کیفی در مورد عالم برزخ است.

مسئله مورد بحث این نوشتار، این است که گرچه شفاعت از امور مسلم بین مسلمانان است (عبیدلی، ۱۳۸۱ش: ۴۲۳؛ سبحانی، ۱۴۱۲ق. ج ۴: ۳۵۷)؛ اما این که محدوده شفاعت، علاوه بر قیامت، برزخ را هم شامل می‌شود، مورد بحث است. در زمینه شفاعت در برزخ، تنها یک مقاله مختصر و کلی نوشته شده است؛^۱ اما این نوشتار در صدد است تا با مطالعه دیدگاه علامه طباطبائی در این باره به امکان‌سنجی شفاعت برزخی بپردازد. ایشان معتقد است که شفاعت در عوالم پیش از قیامت محقق نمی‌شود:

«شفاعت در آخرین موقف از مواضع روز قیامت انجام می‌گیرد؛ در این جاست که شفاعت‌کننده تقاضای مغفرت شفاعت‌شونده را می‌کند تا بدین وسیله وارد دوزخ نشود و یا به کمک شفاعت او بعضی از کسانی را که در دوزخ اند خارج شوند.» (طباطبائی، ۱۳۹۰ق. ج ۱: ۱۷۴).

علامه، احادیثی را که دال بر حضور پیامبر^(ص) و یا ائمه^(ع) در هنگامه موت و سؤال در قبر دارند از بحث شفاعت منصرف و به مقوله نوعی از تصرفات مأذونه از ناحیه خدا ملحق می‌کند (همان). عجب این که ایشان هنگامی که سخن از حقیقت شفاعت می‌گویند، آن را چنان توسعه داده که هرگونه تأثیر اسباب را، در عالم تکوین و تشریح، مشمول شفاعت می‌شمرد، ولی در این جا کمک و اعانت اولیاءالله را به گروهی از مؤمنان برای نجات آن‌ها از مشکلات برزخ و قبر، مصداق شفاعت نمی‌دانند. همچنین، موضوع طلب بخشش از سوی پیامبر^(ص) از درگاه الهی برای کسی که به او تمسک می‌جوید - مانند مفاد آیه ۶۴ سوره نساء - چیزی جز شفاعت برزخی نیست. در ادامه، شواهد و دلایل اثباتی شفاعت در برزخ خواهد آمد.

دلایل اثباتی شفاعت برزخی

برای اثبات شفاعت در عالم برزخ، دلیل‌هایی از سوی برخی از دانشمندان ارائه شده است که عبارت‌اند از:

الف) عالم مثال بودن برزخ

برخی از حکما برزخ را همان عالم مثال دانسته‌اند. چنان‌که حکیم سبزواری بر این باور است که هرچه در عالم دنیا وجود دارد، مثالی برای آن در عالم اعلی وجود دارد (سبزواری، بی‌تا، ج ۱: ۳۹). برخی از حکما در بیان عوالم گوناگون، به ترتیب از عالم عقل کلی، نفس کلی، عالم مثال، عالم طبیعت و عالم جسمانی - با کمی تفاوت در واژگان - نام می‌برند (ر.ک؛ فیض کاشانی، ۱۳۸۳ش: ۳۰۰؛ سبزواری، بی‌تا، ج ۱: ۳۹؛ طباطبائی، ۱۳۳۷ق.، ج ۴: ۱۲۳۷).

مقصود این است که اگر چیزی در عالم طبیعت وجود دارد، به گونه شدیدتر در عوالم مرتبه بالاتر، یعنی عالم مثال و عقل، نیز وجود دارد؛ بنابراین، اگر اصل شفاعت در دنیا و میان انسان‌ها مورد پذیرش است، مرتبه بالاتر آن در برزخ نیز وجود دارد. استبعادی نیز برای این قضیه نیست؛ زیرا در برخی آیات و روایات، قرینه‌هایی مبنی بر وجود مؤلفه‌های شفاعت در دیگر عوالم موازی با علم دنیا دیده می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ﴾ (شوری / ۵؛) (و فرشتگان با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای کسانی که در زمین هستند طلب آمرزش می‌کنند.) از آن‌جا که ماده استغفار با فعل مضارع آمده است، بدین معناست که این استغفار پیوسته است و ادامه دارد. این در حالی است که فرشتگان از عالمی دیگر و کسانی که روی زمین هستند از عالم پایین‌تری هستند. طبق قاعده فلسفی که سابقاً ذکر گردید، هرآن‌چه که در عوالم پایینی وجود دارد، به نحو قوی‌تر و کامل‌تری، در عوالم بالایی قرار دارد و بالعکس. این‌جا نیز چون استغفار شفاعت‌گونه فرشتگان در عالم ملکوتی، که موازی با ملک است و همه با هم عالم طبیعت و ماده را تشکیل می‌دهند - بنا بر عدم تجرد فرشتگان و لطیف بودن جسم آن‌ها^۱، در عالم برزخ که مرتبه بالاتر و مثالی عالم طبیعت است، شفاعت وجود دارد. همچنین، بنا بر مبنای عالم مجرد و عقل بودن عالم فرشتگان^۲، استغفار شفاعت‌گونه آن‌ها، جزو عالم بالاتر از برزخ محسوب شده و از باب «چون که صد که آمد نود هم

پیش ماست»، شفاعت در برزخ نیز اثبات می‌گردد. نکته مهم این جاست که استغفار و طلب بخشش برای دیگری نوعی از شفاعت محسوب می‌شود. این مسئله در جریان استغفار حضرت یعقوب برای برادران یوسف نیز مشهود است: ﴿قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي﴾ (یوسف / ۹۸)؛ [یعقوب] گفت: در آینده از پروردگارم، برای شما طلب آمرزش می‌کنم». این نوع از شفاعت^۴ - که اصطلاحاً توسل نیز نامیده می‌شود و در دیدگاه احمدبن حنبل به شفاعت مثبت تلقی گردیده است^۵ - گرچه در دنیا اتفاق افتاده؛ اما با توجه به قاعده مثال بودن عالم برزخ، در برزخ نیز تکرار خواهد شد، با این تفاوت که به مرتبه‌ای شدیدتر و بالاتر ارتقا می‌یابد.

ب) اطلاق ادله

اطلاق در لغت به معنای ارسال و شیوع (رها گذاشتن و فراگیری) است که مطلق از آن گرفته شده. مراد از مطلق در اصطلاح، آن چیزی است که بر معنای شایع جنشش دلالت کند و مطلق در اصطلاح، مقابل مقید است (مظفر، ۱۳۷۵ ش.، ج ۱: ۱۷۱)؛ یعنی مطلق، لفظی است که بر معنای گسترده و شایع یک مفهوم کلی اعم از جنس و نوع و صنف منطقی دلالت می‌کند (کریمی، ۱۳۷۵ ش. : ۷۰).

تمسک به اطلاق برخی آیات و روایات مرتبط با شفاعت، می‌تواند شامل شفاعت در برزخ نیز باشد. یکی از آیات مطلق، مربوط به شفاعت ملائکه است: ﴿وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى﴾ (انبیاء / ۲۸)؛ و [فرشتگان] جز برای کسی که (خدا از او) خشنود باشد، شفاعت نمی‌کنند. عدم تقیید آیه به شفاعت در قیامت می‌تواند آن را به شفاعت در برزخ نیز تسری دهد؛ زیرا در آنجا نیز ملائکه حضور دارند و مانعی برای شفاعت در برزخ نیست. قرآن در جای دیگر می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَخْمَلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ﴾ (غافر / ۷)؛ (کسانی که تخت (جهان‌داری و تدبیر هستی) را بر دوش می‌کشند و کسانی که

اطراف آن هستند با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان می‌آورند، و برای کسانی که ایمان آورده‌اند طلب آمرزش می‌کنند (و می‌گویند: ای) پروردگار ما! رحمت و علم تو بر همه چیز گسترده است. پس کسانی را که توبه کردند و راه تو را پیروی کردند، بیامرز و آنان را از عذاب دوزخ حفظ کن!

تمسک به اطلاق دو آیه گفته شده جهت اثبات شمولیت شفاعت در همه مواضع حتی برزخ، در تفسیر مرحوم ملکی میانجی دیده می‌شود (ملکی میانجی، ۱۴۰۰ ق: ۱۵۸).

نیز آیه مبارکه دیگری می‌فرماید: ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ (یونس / ۵۸)؛ (بگو: به بخشش خدا و به رحمت او (خوشحال شدن نیکوست). پس باید (مؤمنان) بدان شادمان شوند، (چراکه) آن از هر آنچه گرد می‌آورند، بهتر است). در آیه ذکر شده، فرح و شادمانی مؤمنان، مطلق است و یکی از اسباب آن، شفاعت در برزخ است. برزخی از علمای اهل تسنن به این آیه در اثبات شفاعت برزخی استشهد کرده‌اند (ملطاوی، ۱۴۱۵ ق: ۸۷).

همچنین، در دعای روز چهارشنبه آمده است: «شفاعت محمد (ص) و آل او را روزی ام فرما و مرا از مصاحبت آن بزرگوار محروم نکن»^۶ (کفعمی، ۱۴۱۸ ق: ۱۳۲).

اطلاق این دعا شامل تمامی عوالم وجود می‌شود و اختصاص به قیامت ندارد. روایاتی نیز وجود دارد که در نگاه اول، برخلاف اطلاق آیات گفته شده است. عمرو بن یزید می‌گوید: من از شما [امام صادق (ع)] شنیدم که فرمودید: همه شیعیان ما در هر حال، در بهشت قرار دارند. امام فرمودند: درست است. عرض کردم: فدایت شوم، گناهان، زیاد و کبیره‌اند! امام فرمودند: اما در قیامت، همه شما به سبب شفاعت پیامبر (ص) یا جانشین او در بهشت خواهید بود؛ اما قسم به خدا نسبت به شما در عالم برزخ می‌ترسم! پرسیدم: برزخ چیست؟ فرمودند: عالم قبر از زمان مرگ انسان تا روز قیامت است.^۷ نیز منقول است: «به خدا قسم از عالم برزخ شما می‌ترسم؛ اما هنگامی که کار به دست ما افتاد، ما به شما اولی‌تریم»^۸.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تحلیل روایات گفته‌شده، می‌فرماید: ممکن است این روایات ناظر به مرحله خاصی از برزخ باشد یا این که اگر راه نجاتی برای بعضی در سایه مجاورت با اولیاء‌الله و مانند آن صورت گیرد، جنبه استثنایی و محدود خواهد داشت و شامل همه کسانی که لایق شفاعت‌اند نمی‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۶: ۴۰۶). در جمع روایات نفی‌کننده ظاهری شفاعت در برزخ با دیگر ادله اثبات‌کننده آن، همچنین می‌توان گفت: شفاعت کبرا به صورت عمومی و فراگیر و مربوط به قیامت و بعد از حساب‌رسی کامل است و تمامی مؤمنان در انتظار شفاعت به سر می‌برند و پیامبر^(ص) و ائمه اطهار و سایر شافعان به اذن الهی هر که را که بخواهند شفاعت می‌کنند؛ اما شفاعت صغرا، که در عالم برزخ جریان دارد، یک جریان عمومی نیست و تنها برای عده‌ای خاص به صورت محدود وجود دارد.

به نظر می‌رسد این احادیث مطلبی بیش از این نمی‌گویند که شیعیان در عالم برزخ معلوم نیست مورد شفاعت قرار گیرند و احتمال آن حتی طبق این روایت منتفی نشده است؛ لذا مخاطب در حال خوف و رجا قرار می‌گیرد. در این صورت، هیچ تعارضی میان این روایت و آیات مطلق وجود ندارد. این واقعیت نیز باید لحاظ گردد که تأکید بر این مطلب نیز، که در قیامت، کار با ولایت امیرالمؤمنین علی^(ع) به عنوان میزان و تقسیم‌کننده بهشت و جهنم است، دلالت بر عدم شفاعت در برزخ ندارد.

ج) استمرار شفاعت رسول (ص) از دنیا به برزخ

در قرآن کریم آمده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾ (و ما هیچ فرستاده‌ای را نفرستادیم، مگر برای این که به رخصت خدا، اطاعت شود. و اگر (بر فرض) آنان (گروه منافق) هنگامی که به خودشان ستم کردند، نزد تو می‌آمدند، و از خدا آمرزش می‌خواستند، و فرستاده [ما نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، حتماً خدا را بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز می‌یافتند) (نساء / ۶۴).

گرچه ظاهر آیه شریفه این مطلب را بیان می‌کند که مشرف شدن به محضر پیامبر برای طلب بخشش گناه مخصوص زمان حیات آن بزرگوار است؛ ولی با توجه به برخی از قراین روایی، مشخص می‌شود که این فرایند حتی بعد از وفات آن حضرت هم ادامه دارد. مثلاً در زیارت حضرت رسول (ص) در روز شنبه آمده است:

«پرودگارا تو خود [در آیه ۶۴ نساء] فرمودی: و ما هیچ فرستاده‌ای را نفرستادیم، مگر برای این که به رخصت خدا اطاعت شود. و اگر (بر فرض) آنان (گروه منافق) هنگامی که به خودشان ستم کردند، نزد تو می‌آمدند، و از خدا آمرزش می‌خواستند، و فرستاده [ما نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، حتماً خدا را بسیار توبه‌پذیر [و] مهرورز می‌یافتند. معبود من! من به سوی نبی تو در حال استغفار و توبه از گناهانم آمده‌ام؛ ای آقای ما [و ای پیامبر (ص)] به تو و به اهل بیت تو به سوی خدا روی می‌کنم. امروز روز شنبه است که روز توست. من در آن روز مهمان و به پناه آمده‌ام توام؛ مرا مهمان گردان و پناه ده ... به منزلتی که خدا نزد تو و آل بیت تو دارد و به منزلت آنان نزد خدا.»^۹

چنان که مشخص است، مطالب گفته شده مربوط به بحث شفاعت است و چون پیامبر (ص) در عالم برزخ قرار دارند، باز از ایشان درخواست و توسل و شفاعت و مهمان‌پذیری و پناه و آبرو گذاشتن در مقابل خدا می‌شود. برخی از دانشمندان عامه نیز این آیه را غیرمختص به زمان حیات رسول (ص) دانسته‌اند؛ چرا که او بعد از مرگ نیز عارف به کسی است که به سوی او می‌آید و اگر بنده از پیامبر (ص) بخواهد، او برایش استغفار می‌کند؛ زیرا وی شفیع گنهکاران است و لازمه‌اش این است که پیامبر (ص) در هر دو دنیا زنده و درک کننده باشد و این در برزخ نیز جاری است (صالحی شامی، ۱۹۹۳م، ج ۱۲: ۳۸۰). فخر رازی درباره آیه مورد بحث می‌گوید:

«این آیه دلالت دارد که هر زمان پیامبر (ص) برای گنهکاران و ستمگران استغفار کند، خدا می‌آمرزد؛ این دلالت بر مقبولیت شفاعت پیامبر (ص)

در دنیا دارد؛ بنابراین ضروری است که در آخرت نیز مقبول باشد؛ زیرا قائل به نظریه، تفاوت درباره شفاعت دنیوی و اخروی وجود ندارد» (رازی، ۱۴۲۰ق. ج ۳: ۵۰۰).

برزخ نیز چیزی بین دنیا و آخرت است و با تمسک به اطلاق آیات در این زمینه، شفاعت در برزخ نیز طبق استدلال مذکور ثابت می‌شود. در واقع، خداوند متعال اعلام فرموده که هر کس به خود ستم کند، آن‌گاه نزد پیامبر آمده، از خدای تعالی درخواست بخشش نماید و رسول هم برای او درخواست بخشش کند، به یقین، پروردگار را توبه‌پذیر و رحیم خواهد یافت. این فرایند شامل تمامی حال‌ها و زمان‌ها می‌شود؛ چراکه حکم یافتن خداوند به صفت تواب و رحیم، معلق به شرط آمدن به محضر پیامبر و درخواست مغفرت الهی و درخواست آمرزش گناه فرد خاطی از سوی رسول است. بعد از ثابت کردن این نکته که پیامبر^(ص) نسبت به کسی که به حضور ایشان شرفیاب می‌شود آگاه است، اگر کسی از حضرت بخواهد برای او از پیشگاه الهی طلب بخشش کند، این کار را، یعنی درخواست بخشش برای گناهکاران که برای آن بزرگوار در هر دو عالم ثابت است، انجام می‌دهد؛ چراکه او شفاعت‌کننده گناهکاران است و عامل آن در هر دو جهان، حیات و ادراک و نبوت است که برای ایشان در برزخ هم وجود دارد.^{۱۰}

د) شفاعت امام حسین (ع) در روز ورود

دعا برای روزی گردیدن شفاعت اباعبدالله الحسین^(ع) از جمله فقره‌هایی است که امکان دلالت آن بر شفاعت برزخ وجود دارد و لازم است تحلیل شود. در زیارت امام حسین^(ع) آمده است:

«اللهم ارزقنی شفاعة الحسین يوم الورد» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش: ۱۷۹). خدایا

شفاعت حسین را هنگام وارد شدن، روزی من فرما.

می‌توان گفت که بعد از مرگ، هنگامه ورود بر حضرت حق است و چون طبق این دعا، از شیعیان خواسته شده شفاعت امام حسین (ع) را از خدا بخواهند، معلوم می‌شود دست کم به برخی از آنها چنین شفاعتی در برزخ می‌رسد و آلا دعای بدون اجابت - حداقل برای برخی از دعاکنندگان - بی‌مفهوم است؛^{۱۱} البته، این شفاعت با ثبات قدم و صدق آن میسر می‌شود (حسنی، ۱۴۳۱ ق: ۲۸۹).

از سوی دیگر، یوم‌الورود نیز انصراف به ورود به محشر و قیامت دارد تا برزخ. حتی دیگر فقره‌های زیارت عاشورا نیز بر این ادعا دلالت دارند، مانند «اللهم اجعلنی عندک وجیهاً بالحسین علیه‌السلام فی الدنیا و الآخرة» (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۲: ۷۷۴). و «ارزقنی شفاعة الحسین یوم الورد و المقام المشهود و الحوض المورود» (نوری، ۱۴۰۸ ق: ۷۷۴). چنان‌که برخی در شرح این فقره آن را به شفاعت اخروی معنا نموده‌اند؛ لذا این دلیل نمی‌تواند شاهدهی استوار بر برزخی بودن شفاعت باشد^{۱۲} (تبریزی، ۱۳۹۰ ش: ۱۴۱).

ه) اصل تخویف و ترساندن

پاداش و کیفر، تسلط چشم‌گیری بر رفتار دارد. به نظر می‌رسد که در این باره اصل اولی در اسلام، تخویف و انذار و ترساندن از روی پیشگیری وقوع گناه است؛ یعنی چنان‌که ملاحظه می‌شود، قرآن هرگز عنوان «بشیر» یا «مبشّر» را به‌عنوان یک جایگزین مستقل برای مقام نبوی رسول اکرم (ص) به کار نبرده است؛ اما در قرآن واژگان «نذیر» و «مُنذِر» گاهی مستقل و گاهی در ترکیب و عطف با «بشیر» و «مبشّر» استعمال شده‌اند.^{۱۳} این نحوه کاربرد به‌طور ضمنی به این نکته اشاره دارد که پیامبران، پیش از ترغیب مردم به انجام اعمال نیک، به هدایت پیروانشان از بستر بازداری آنان از گمراهی یعنی انذار توجه داشته‌اند. به همین سبب است که حرکت تبلیغی انبیا با سختی‌هایی از لحاظ پذیرش مردمی، به‌ویژه در ابتدای رسالت و نبوت همراه می‌شد؛ زیرا بیشتر بر محور انذار می‌چرخیده است.

در رسالت پیامبر اکرم (ص)^{۱۲} نیز دیده می‌شود که اولین فرمان الهی برای مسئله تبلیغ ایشان نسبت به نزدیکان با انذار همراه بوده است. قرآن می‌فرماید: ﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾ (شعراء/ ۲۱۴)؛ (و خاندان نزدیکت را هشدار ده). در بحث شفاعت و کارکرد آن نیز این امکان وجود دارد که عدم صراحت در وجود و یا عدم شفاعت در برزخ - علی‌رغم امکان وجود آن - پیگیری همین اصل، یعنی اصالت تخویف و ترساندن، جهت پیشگیری از گناه است تا همان‌گونه که سابقاً ذکر شد، مؤمنان بین خوف و رجاء باقی بمانند.

و) مکرم بودن مؤمن آل فرعون

در داستان مؤمن آل فرعون، که مشرکان او را به شهادت رساندند، آمده است: ﴿قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ﴾ (یس / ۲۰-۲۷)؛ «[پس از شهادت به او] گفته شد: وارد بهشت شو. گفت: ای کاش قوم من می‌دانستند که پروردگارم مرا آمرزید و مرا از گرامی‌داشته‌شدگان قرار داد!». این نشان می‌دهد از آن‌جا که هنوز قیامت اقامه نگردیده است، مقصود از بهشت و غفران و جزو مکرمان شدن، مرحله برزخی آن است. شاهد استدلال این‌جاست که در سخن از اکرام شدن از سوی خدا برخی از مفسران شفاعت را نوعی از کرامت می‌دانند که خدا به برخی مرحمت می‌کند^{۱۳} (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق.، ج ۱۵: ۲۱۳).

ز) وقوع شفاعت برزخی در نقل عدول

در جهان برزخ نیز روایات بسیاری داریم که اعمال نیک آدمی همچون نماز و روزه و ولایت و امثال آن یا حضور اولیاء‌الله سبب تخفیف آلام و مجازات‌ها می‌شود و یا دفن انسان صالح و پاکدامنی که دارای حسنات مهمی بوده است، در یک مقبره، سبب تخفیف مجازات گناه کاران آن گورستان می‌شود؛ حتی نماز میت و تقاضای مغفرتی که در ضمن آن برای مردگان می‌شود، مسلماً بی‌تأثیر نیست، این نیز نوعی

شفاعت است (انصاریان، ۱۳۸۶ ش.: ۵۷۷). حتی چنین وقایعی از برخی ناقلان ثقه نیز روایت شده است. مثلاً درباره آیت‌الله شیخ مرتضی حائری یزدی، نقل گردیده است که ایشان پس از وفات، در خواب یکی از دوستان آمده و قضیه روشن شدن قبر را پس از مدت زمانی تاریکی به سبب ورود امام رضا^(ع) درون قبر برای بازدید از شیخ در راستای جبران زیارت‌های ایشان از مشهد در دنیا، بیان می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ ش.، ج ۶: ۴۰۶). همچنین قضیه شیخ علی شیرازی که پس از مرگ، بد اخلاقی‌های خود را به صورت سگ سفیدی دیده بود که در قبرش وارد شده است؛ ناگهان به وجود امام حسین^(ع) توسل نموده و ایشان نیز اعانت و کمک نموده‌اند (مطهری، ۱۳۷۲ ش.، ج ۱: ۲۳۶).

ح) اصل رحمت واسعة الهی و تلازم آن با اصل نجات بخشی انسان

خدای متعال، چنان که در دعا مذکور است، رحمتش از غضبش پیشی می‌گیرد^{۱۴} و نمی‌خواهد مچ‌گیری کند و بندگان و مخلوقات خود را در آتش جهنم گرفتار سازد و به هربهانه‌ای درصدد است تا آن‌ها را نجات دهد. اصل اولی در زندگی انسان، نجات و تکامل است. این، تعبیر دیگری است از سعادت انسان. رحمت و واسعة الهی چنان است که لغزش‌های خطاکارانه و گناه‌آلود انسانی را، که به غفران و رحمت او ایمان دارد، خواهد بخشید و این با کریم‌بودن خدا، درعین جبار و متکبر بودنش، سازگارتر است. اگر به وجود تحول غیر تکلیفی در برزخ - چیزی شبیه حرکت جوهری - باور داشته باشیم، می‌توان شفاعت در برزخ را بهانه‌ای حکیمانه از سوی خدا برای مؤمنان گنه‌کاری دانست که با ایمان از دنیا رفته‌اند؛ اما لغزش‌های عملی نیز داشته‌اند که سبب تکامل آن‌ها برای ورود به قیامت و پیدا کردن قابلیت برای ورود به مرحله بهشت - اگرچه درجه نازله آن - می‌شود. منشأ و ریشه این بحث از سوی استاد محمدعلی مجدد فقیهی، از اساتید دانشگاه معارف اسلامی، در مباحثه با مؤلفان

این مقاله مطرح گردید؛ لذا رعایت امانت‌داری در عنوان کردن نام ایشان مصداقیت پیدا می‌کند.

ط) عدم انقطاع مؤمن با محمد و آل محمد (ع) در راستای اصل تکامل

در برزخ، حیات تکاملی مؤمنان ادامه دارد. آنان در محضر شریف حاضر شده و با علم به حقایق عالم هستی، رشد می‌کنند تا لایق بهشت گردند که به معنی شفاعت در برزخ است. مگر ممکن است که مثلاً یک مؤمن یا یک مؤمنه بی‌سواد، درحالی که نتوانسته حتی یک آیه از قرآن را بخواند، به بهشت برود؟ اما حقّ او بهشت است؛ چراکه ایمان آورده و به انجام عمل صالح اهتمام ورزیده است؛ لذا در برزخ با حقایق قرآن آشنا می‌شود و لایق ورود به بهشت جاویدان می‌گردد. این‌ها، همه، شفاعت نامیده می‌شود. انقطاع تکوینی و ولایی کلّ عالم هستی و نیز انقطاع سلوکی اهل ایمان با محمد و آل محمد (ع) لحظه‌ای در دنیا و برزخ و در قیامت اتفاق نمی‌افتد. به همین سبب است که در دعا گفته می‌شود: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحِيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶ ش: ۱۷۸).

نتیجه‌گیری

در جمع‌بندی مطالب گفته‌شده، بیان می‌داریم که اصل شفاعت، به‌عنوان امری مورد اتفاق، در میان علمای اسلام پذیرفته شده؛ اما بحث در محدوده فعلیت و تبلور آن است. علامه طباطبائی وجود شفاعت در برزخ را بدون دلیل خاصی منکر شده و استعانت‌های معصومان (ع) در برزخ را نوعی اجازه تصرف از سوی خدا در عالم برزخ می‌داند. با توجه به اطلاق برخی آیات و روایات و شمولیت آن‌ها بر همه عوالم حتی برزخ و نیز توجه به مثالیت عالم برزخ، استمرار شفاعت پیامبر (ص) از دنیا تا برزخ و نیز قیامت، التفات به اصل تخویف و ترساندن و هشداردهی برای پیشگیری از وقوع گناه

در دین اسلام و نیز اصل سبقت‌گیری رحمت الهی بر غضب او و اصل نجات‌بخشی انسان می‌توان امکان شفاعت برزخی را اثبات نمود. گرچه وقوع آن با توجه به مُکرم‌بودن مؤمن آل فرعون پس از شهادت و نیز وجود شفاعت‌های برزخی برای برخی از علمای شیعه که از ثقات نقل‌گشته، مُحرز است. همه این موارد در صورتی است که شفاعت به معنای عام، یعنی هر نوع فعالیت اعم از دعا و طلب استغفار و رفع حاجت از سوی شفاعت‌شونده به شخص شفیع برای ارائه به درگاه الهی گرفته شود. در این صورت، توسل نیز در معنای شفاعت برزخی وجود دارد؛ پس به لحاظ کلی، شفاعت، چه در دنیا، چه در برزخ و چه در قیامت، وجود دارد و تا وقتی «ولایت» موجود است، شفاعت نیز هست؛ زیرا همه فیوضات الهی در دنیا و برزخ و آخرت و حتی در بهشت نیز از طریق خلفایش، یعنی انسان‌های کامل و صاحبان ولایت و امامت، که همان چهارده معصوم^(ع) هستند، می‌رسد. شفاعت نیز یکی از مصادیق فیض الهی از مجرای شفیعان مرضیّ اوست.

پی نوشت

۱. محمد اصغری‌نژاد، «شفاعت در برزخ»، در مجله حسنا، (۴)، (۱۳۸۹ ش.)، ص ۵۲-۶۷.
۲. تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، ج ۳، (۱۴۱۲ ق)، قم: الشریف الرضی، (۱۴۱۲ ق)، ص ۳۶۸؛ طوسی، نصیرالدین محمد، تلخیص المحصل، (بیروت: دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق)، ص ۲۳۰.
۳. ابن سینا، حسین، الأضحویة فی المعاد، (تهران: شمس تبریزی، ۱۳۸۲ ش)، ص ۱۴۸؛ آشتیانی، احمد، بیست رساله، (قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۸۳ ش)، ص ۴۸.
۴. آیت‌الله سبحانی این آیه را مرتبط با مباحث شفاعت و مغفرت می‌داند (سبحانی، جعفر، الإلهیات علی هدی الكتاب و السنه و العقل، ج ۲، ص ۱۰۷).

٥. احمدی، عبدالله بن سلمان. المسائل و الرسائل المروية عن الإمام أحمد بن حنبل في العقيدة، ج ٢، (رياض: دار الطيبة، ١٤١٦ ق)، ص ٢١٣.

٦. ارزقنی شفاعة محمد و آله و لا تحرمنی صحبتہ.

٧. محمد بن يحيى عن أحمد بن محمد بن عيسى عن أحمد بن محمد عن عبد الرحمن بن حماد عن عمرو بن يزيد قال: قلت لأبي عبد الله (ع) إني سمعتك و أنت تقول كل شيعتنا في الجنة على ما كان فيهم قال صدقتك كلهم و الله في الجنة قال قلت جعلت فداك إن الذنوب كثيرة كبار فقال أما في القيامة فكلكم في الجنة بشفاعة النبي المطاع أو وصي النبي و لكني و الله أتخوف عليكم في البرزخ قلت و ما البرزخ قال القبر منذ حين موته إلى يوم القيامة. (محمد بن

يعقوب كليني، الكافي، ج ٥، (قم: دار الحديث، ١٤٢٩ ق)، ص ٥٩٨)

٨. قَوْلُ الصَّادِقِ (ع): وَ اللَّهُ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ إِلَّا الْبُرْزَخَ فَأَمَّا إِذَا صَارَ الْأَمْرُ إِلَيْنَا فَنَحْنُ أَوْلَى بِكُمْ. (على بن ابراهيم قمي، تفسير القمي، ج ٢، (قم: دار الكتاب، ١٣٦٣ ش)، ص ٩٤)

٩. اللهم إنك قلت و لو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً إلهي فقد أتيت نبيك مستغفراً تائباً من ذنوبي فصل على محمد و آله و اغفرها لي يا سيدنا أتوجه بك و بأهل بيتك إلى الله تعالى ربك و ربي ليغفر لي ثم استرجع ثلاثاً و قل أصبنا بك يا حبيب قلوبنا فما أعظم المصيبة بك حيث انقطع عنا الوحي و حيث فقدناك فإنا لله و إنا إليه راجعون يا سيدنا يا رسول الله صلوات الله عليك و على آل بيتك الطاهرين هذا يوم السبت و هو يومك و أنا فيه ضيفك و جارك فأضفني و أجرني فإنك كريم تحب الضيافة و مأمور بالإجارة فأضفني و أحسن ضيافتني و أجرنا و أحسن إجاتنا بمنزلة الله عندك و عند آل بيتك و بمنزلتهم عنده و بما استودعكم من علمه فإنه أكرم الأكرمين. (على بن موسى ابن طاوس، جمال

الأسبوع بكمال العمل المشروع (قم: دار الرضى، ١٣٣٠ ق)، ص ٣٠.

١٠. محمد اصغرى نژاد، «شفاعت در برزخ» (مجله حسنا، شماره ٤، ١٣٨٩ ش)، ص ٥٨.

۱۱. اصغری نژاد، محمد، «شفاعت در برزخ»، ص ۵۸.
۱۲. ر.ک؛ عباس‌علی شاملی، «جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران نگرش قرآنی» (مجله معرفت، شماره ۳۳، ۱۳۷۹ ش.)، ص ۱۷.
۱۳. أن الشفاعة كرامة يريد الله أن يكرم بها بعض خلقه فيشفعهم فيمن يريد أن يغفر لهم و يرحمهم.
۱۴. يا من سبقت رحمته غضبه. ر.ک؛ محمدبن الحسن طوسی، مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، ج ۲ (ص ۶۹۶)

منابع و مأخذ

- آشتیانی، احمد. (١٣٨٣ ش.). *بیست رساله*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ابن سینا، حسین. (١٣٨٢ ش.). *الأضحویة فی المعاد*. تهران: شمس تبریزی.
- ابن طاوس، علی بن موسی. (١٣٣٠ ق.). *جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع*. قم: دار الرضی.
- ابن قولویه، جعفر بن محمد. (١٣٥٦ ش.). *کامل الزیارات*. نجف: دار المرتضویة.
- احمدی، عبدالله بن سلمان. (١٤١٦ ق.). *المسائل و الرسائل المرویة عن الإمام أحمد بن حنبل فی العقیة*. ریاض: دار الطیبة.
- انصاریان، حسین. (١٣٨٦ ش.). *اهل بیت علیهم السلام عرشیان فرش نشین*. قم: دارالعرفان.
- تبریزی، جواد. (١٣٩٠ ش.). *زیارت عاشوراء فوق الشبهات*. قم: دار الصدیقة الشهیدة.
- تفتازانی، مسعود بن عمر. (١٤١٢ ق.). *شرح المقاصد*. قم: الشریف الرضی.
- حسنی، نبیل. (١٤٣١ ق.). *دعاء الامام الحسین (ع) فی يوم العاشوراء بین النظریة العلمیة و الاثر الغیبی*. کربلاء: عتبة الحسینیة.
- رازی، فخرالدین محمد. (١٤٢٠ ق.). *مفاتیح الغیب*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راغب اصفهانی، حسین. (١٤١٢ ق.). *مفردات ألفاظ القرآن*. بیروت: دار القلم.
- زحیلی، وهبه. (١٤٢٢ ق.). *التفسیر الوسیط*. دمشق: دار الفکر.
- سبحانی، جعفر. (١٤١٢ ق.). *الإلهیات علی هدی الكتاب و السنة و العقل*. قم: المرکز العالمی للدراسات الإسلامیة.

- سبزواری، هادی. (بی تا). *شرح الاسماء الحسنی*. تهران: طبع محمدحسین کاشانی.
- صالحی شامی، محمدبن یوسف. (۱۹۹۳ م.). *سبل الهدی و الرشاد فی سیرة خیر العباد*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- صفار، محمدبن حسن. (۱۴۰۴ ق.). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم*. قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طباطبائی محمدحسین. (۱۳۹۰ ق.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- _____ (۱۳۸۶ ش.). *نهایة الحکمة*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- طوسی، محمدبن الحسن. (۱۴۱۱ ق.). *مصباح المتهدد و سلاح المتعبد*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعة.
- طوسی، نصیرالدین محمد. (۱۴۰۵ ق.). *تلخیص المحصل*. بیروت: دار الاضواء.
- عیدلی، عمید الدین. (۱۳۸۱ ش.). *إشراق الالهوت فی نقد شرح الیاقوت*. تهران: میراث مکتوب.
- علم الهدی، مرتضی. (۱۴۰۵ ق.). *رسائل المرتضی*. قم: دارالقرآن الکریم.
- فراهیدی، خلیل. (۱۴۰۹ ق.). *کتاب العین*. قم: نشر هجرت.
- فضل الله، محمدحسین. (۱۴۱۹ ق.). *من وحی القرآن*. بیروت: دار الملائک.
- فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی. (۱۳۸۳ ش.). *أنوار الحکمة*. قم: بیدار.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۳ ش.). *تفسیر القمی*. قم: دار الکتب.
- کریمی، حسین. (۱۳۷۵ ش.). *اصل الاصول*. قم: دانشگاه قم.
- کفعمی، ابراهیم. (۱۴۱۸ ق.). *البلد الامین و الدرع الحصین*. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق.). **الکافی**. قم: دار الحدیث.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۲ ش.). **مجموعه آثار استاد شهید مطهری**. قم: صدرا.
- مظفر، محمدرضا. (۱۳۷۵ ش.). **أصول الفقه**. قم: انتشارات اسماعیلیان.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۶ ش.). **پیام قرآن**. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- ملطاوی، حسن کامل. (۱۴۱۵ ق.). **رسول الله (ص) فی القرآن الکریم**. قاهره: دارالمعارف.
- ملکی میانجی، محمد باقر. (۱۴۰۰ ق.). **بدایع الکلام فی تفسیر آیات الاحکام**. بیروت: مؤسسه وفا.
- نوری، حسین. (۱۴۰۸ ق.). **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**. قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام.
- اصغری‌نژاد، محمد. (۱۳۸۹ ش.). «شفاعت در بروزخ». مجله حسنا. شماره ۴. صص ۵۲-۶۷.
- شاملی، عباس‌علی. (۱۳۷۹ ش.). «جایگاه و نقش انذار و تبشیر در نظام تربیتی پیامبران نکرش قرآنی». مجله معرفت. شماره ۳۳. صص ۱۶-۲۱.